

آینه



مجلس ودولت «اعتماد مردم» را بر گردانند

● **محمد قسیم عثمانی، نماینده یسوانک و عضو فراکسیون امید:** ... به‌هرصورت سؤال مطرح‌شده و رئیس‌جمهور باید برای پاسخ‌گویی به سؤال به مجلس بیاید و پاسخ‌گوی نمایندگان باشد... در واقع چون نمایندگان خودشان پاسخی برای مردم ندارند و نمی‌توانند مردم و اقشار جامعه را قانع کنند، این بخش را که ناشی از عدم پاسخ‌گویی مناسب به موکلاشان است را از رئیس‌جمهوری مطالبه می‌کنند تا او خودش مستقیم به مردم پاسخ دهد. گرچه نمایندگان خود نیز در این مشکل سهیم هستند و باید برای خروج از شرایط فعلی راهکار ارائه کنند... مجلس در شکل فعلی خود، هرگز نمی‌تواند ما را به اهداف مدنظر برساند، زیرا مجلس ما مجلس معتمدین است نه متخصصین... جدای از اینکه اعتراضات را سازماندهی‌شده بدانیم یا خیر، این نکته حائز اهمیت است و باید به آن توجه داشت که اعتماد عمومی به مسئولان دچار خدشه و آسیب شده است

اعتراض

شعارهای بوج

● **عباس عبّدی:** ... اول اینکه معنای این درخواست اِبْرَحْسی از اصولگرایان که خواهان بازگشت به دوران خلخال‌هی هستند؟ چیست؟ آیا از قوه قضائیه می‌خواهند که قانون را اجرا کند یا فراتر از قانون عمل نماید؟ ... قوه قضائیه درست نزدیک به اصول‌گرایان است... نظام قیمت‌گذاری و دو و چندنرخ‌کردن کالاها و ارز، صدور مجوزهای دست‌وپاگیر، اقتصاد دولتی و... سرچشمه فساد است و هر جا که باشد افراد سالم را نیز فاسد می‌کند، چه رسد به افراد فاسد. هرچه مجازات کنید، باز هم فساد به‌صرفه‌تر است. فساد آتچنان عمومی می‌شود که نهادهای نظارتی و قضائی را نیز با خود می‌برد. کسانی که از این سیاست دفاع می‌کنند، حق ندارند خواهان مبارزه با فساد شوند. در همین مرحله است که تعیض و باندا بازی و انتصاب افراد بدون صلاحیت به امور نیز درخت فساد را آبیاری می‌کند. در مرحله دوم ضعف نهادهای نظارتی و از همه مهم‌تر فقدان رسانه‌های آزاد، موجب فراگیرشدن فساد می‌شود. تمام کسانی که با رسانه‌های آزاد مخالف هستند و درعین‌حال مدعی مبارزه با فساد هستند یا خواهان تشدید این مبارزه هستند را باید دروغ‌گویان بزرگ نامید... اگر این دو مرحله درست انجام شد، آنگاه می‌توانیم امیدوار باشیم که نهاد داوری و قضائی نیز وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد، به‌ویژه که این نهاد نیز تحت‌نظارت نهاد رسانه است و نمی‌تواند خلاف قانون رفتار کند.

روانی

روحانی بلتسین نیست

● **عبدالله متولیان:** ... پس از آتکه خاتمی را گورباجف ایران قلمداد کردند در موج سوم، روحانی را بلتسین ایران تصویر کرده است. با اجرای پروژه سرگرم‌کردن ایران پای میز مذاکرات برجامی و غفلت از مشکلات اقتصادی، معیشتی و فرهنگی کشور، عملا ایران را در مسیر «تحقق مراحل پنج‌گانه فروپاشی ادراک» قرار داده است. به تصور غلط خود، با اجرای پروژه سرگرم‌کردن ایران در میدان مذاکره، زمینه را نیز برای عبور مردم از نظام و ایجاد دوقطبی‌های خطرناک «مردم/نظام» مهیا کرده است. هم‌زمان با سرگرم‌کردن دولتمردان ایران در میدان مذاکره به سازماندهی و تجهیز ده‌ها گروه مسلح قله‌داره نظیر «منافقین»، «سلطنت‌طلبان»، «اشرار داخلی»، «طالبان»، «چیش محمد» اقدام کرده تا در زمان مناسب همچون گرگ‌ها، گفترها، کرکس‌ها و سایر لاشخورها از مرزهای پیرامونی به داخل کشور هجوم آورده و زمینه را برای امتیازگیری و به تسلیم کشاندن جمهوری اسلامی مهیا کنند. با اجرای پروژه «ایران‌هراسی»، «ایران‌ستیزی» و «ایران‌گریزی» نسبت به ایجاد اتحاد شریعی، عربی – عبری و غربی» با محورتب وهایت علیه ایران اقدام کرده است. پروژه‌های «تشدید فشارهای اقتصادی و معیشتی»، «توسعه فقر عمومی»، «ناکارآمدی نظام دینی» و ده‌ها پروژه نظیر آن را در سایه عوامل داخلی خود و با ترویج اشرافی‌گری و رانت‌خواری حکومتی، پدیده کریه اعتمادشکن ایجاد کردی... و برای شکستن روحیه ایمان مردم و القای یأس و ناامیدی از نظام اسلامی به کار بسته است...

ایران

مقصر کیست؟

● ... آتان که ۸۰۰ میلیارد درآمد نفتی را نابود کردند و حتی برای خاطر خدا تعداد شاغلان را اندکی نیز اضافه نکردند، درحالی‌که حداقل پنج میلیون شغل باید ایجاد می‌کردند. امروز باید پشت میز محاکمه و در حال پاسخ‌گویی باشند، نه دیروز باید در این جایگاه می‌بودند و امروز هزینه‌های نابخردی و سوءمدیریت و فساد خود را بپردازند. آنچه مسلم است این است که اکنون عدم رسیدگی قضائی موجب شده است تا او به فراقتی‌هایش ادامه دهد. همچنان که رصلاحیت وی در سال ۹۶ نیز کارایی کافی برای رساندن پیام خود به جامعه را نداشت. او اکنون به‌مثابه استخوانی است که در گلوئی سیاست ایران گیر کرده است.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

هشدار به پارلمان‌نشینان



داشته باشد؛ تا جایی که به گفته برخی ممکن است این ترس، نمایندگان را تا ورطه محافظه‌کاری شدید هم سوق دهد.

لایحه‌اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم

روز گذشته همچنین سخنگوی شورای نگهبان از تأییدنشدن طرح اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس به‌دلیل سه مغایرت با قانون خبر داد و اظهار کرد: طرح منع به‌کارگیری بازنشتستان در جلسه شورای نگهبان هرچند در یک نوبت بررسی شد، ولی نیازمند جمع‌بندی نهایی هستیم و سعی می‌کنیم نظر نهایی را تا مهلت پایانی اعلام کنیم. او همچنین از تأیید لایحه اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در این شورا خبر داد و گفت: این لایحه مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته‌نشد. این در حالی است که مجلس دو ماه پیش «لایحه الحاق ایران به کنوانسیون تأمین مالی تروریسم» را که قرار بود در صحن مجلس به رای گذاشته شود، از دستور کار خارج کرد. از آن زمان تاکنون اصولگرایان به شدت از همه ابزار خود برای کنارگذاشتن این لایحه استفاده کرده‌اند. همان شی که قرار بود فردایش لایحه در مجلس بررسی شود، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با علی لاریجانی جلسه گذاشت و درخواست مسکوت‌ماندن FATF را در مجلس مطرح کرد. این درخواست نتیجه داد و ماجرا در مجلس به مدت دو ماه مسکوت ماند. طبق برنامه‌ریزی مجلس بعد از پایان زمان تعیین‌شده، باید بررسی مجدد این لایحه دیروز در کمیسیون امنیت ملی مجلس آغاز می‌شد.

رجل سیاسی همچنان مسکوت‌است

سخنگوی شورای نگهبان دیروز درباره آخرین وضعیت تعیین رجل سیاسی هم بیان کرد: «آنچه برعهده ما بود در قالب تعریف مصادیق رجل سیاسی انجام شد و در جزئیات باید مجلس وارد شود. مجلس مشغول بررسی این موضوع است و ما منتظر بررسی نهایی آنها هستیم». شورای نگهبان موظف شده شاخص‌ها و شرایط اصل ۱۱۵ قانون اساسی درباره

چشم‌انداز دعوای ایران در دیوان لاهه

کارکنان سفارت آمریکا در تهران و حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس ضمن پذیرش شکایت مطروحه از طرفین، به مفاد این پیمان استناد کرده است و این امر نشان می‌دهد از نظر دیوان این معاهده همچنان پای‌رجا و لازم‌الاجراست. ضمن اینکه مفاد کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (حقوق معاهدات) و رویه دیوان داوری ایران و آمریکا نیز مؤید لازم‌الاجرابودن پیمان مودت است.

چهارم: سابقه دعوای ایران و آمریکا در دیوان لاهه:

سوابق امر نشان می‌دهد با اشغال سفارت آمریکا در آبان ۱۳۵۸ و گروگان‌گرفتن کارکنان سفارت، این ایالات متحده آمریکا‌بود که برای اولین بار با استناد به عهدنامه مودت مباردت به طرح شکایت در دیوان کرد که منجر به محکومیت ایران شد. پس از حمله آمریکا به هویلیامی مسافرحی ایران بر فراز خلیج فارس در ۱۹۸۸ (۱۲ تیر ۱۳۶۷) جمهوری اسلامی ایران بدون استناد به این معاهده به دیوان شکایت کرد که این شکایت پذیرفته شد ولی چون در ادامه طرفین به راه‌حل دیگری جهت حل اختلاف دست یافتند، موضوع از دستور کار دیوان خارج شد. سومین شکایت نیز پس از حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران در خلیج فارس در سال ۱۹۹۲ مجدداً از سوی ایران و با استناد به پیمان مودت در دیوان مطرح شد و در آن ایران خواستار غرامت شد. البته آمریکا نیز متعاقب طرح دعوای ایران اقدام به طرح دعوی متقابل کرد به این عنوان که ایران مباردت به مین‌گذاری در دریا و حمله به کشتی‌های آمریکایی کرده است. دیوان پس از رسیدگی به طور تلویحی بر استفاده غیرقانونی آمریکا از زور صحه گذاشت ولی درخواست ایران برای دریافت غرامت را رد کرد و به این ترتیب به نوعی به نفع آمریکا رای داد. چهارمین شکایت مطروحه در دیوان دو سال پیش و باز توسط ایران در اعتراض به مصادره دو میلیون دلار از سیرده‌های بانک مرکزی ایران در آمریکا طرح شد که همچنان در دست رسیدگی است. آخرین و پنجمین شکایت نیز همین شکایتی است که متعاقب خروج آمریکا از برجام و اعلام برقراری مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران طرح شده است و در تاریخ ۲۵ تیر سال جاری وزیر امور خارجه ایران مراتب ثبت آن را در دیوان لاه اعلام کرد و بر اساس اعلامیه دیوان مقرر شده است روزهای پنج تا شصت شهریور رسیدگی علنی شود.

پنجم: نامه رئیس دیوان لاهه: متعاقب طرح شکایت ایران رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری در نامه‌ای با استناد به ماده ۲۴ اساسنامه دیوان از آمریکا و ایران خواسته است تا زمان رسیدگی دیوان به شکلی عمل کنند که مانع اجرای مؤثر رای دیوان نشوند. هرچند ترجمان سیاسی نامه این است که دو کشور تهدید و دشمنی را متوقف کنند، اما در ماهیت و اثر حقوقی این نامه باید دقت کرد. هرچند در بعضی اظهارنظرها این نامه در حکم دستور موقت توقف تحریم‌ها تلقی شد اما چنین برداشتی ناصواب است. باید توجه داشت که دستور موقت خود دادرسی فوری بوده و موکول به احراز صلاحیت دیوان است. به عبارتی دیوان قبل از احراز صلاحیت خود ممکن است به طرفین اختلاف توصیه‌هایی کند، اما دیوان چنانچه فوریت امر اقتضا کند وقتی مباردت به صدور دستور موقت خواهد کرد که این صلاحیت خود را احراز کرده باشد. به‌هرحال

شرایط ریاست‌جمهوری یعنی «رجل سیاسی و مدیر بودن» را تعریف و مشخص کند. شورای نگهبان دو مورد اصلی را تعریف و شاخص‌هایی هم برای آن تعیین کرد اما ماجرای «رجل سیاسی» را که پرمناقشه‌ترین بخش این اصل از قانون اساسی تاکنون بوده مسکوت گذاشت. شورای نگهبان تا این لحظه معتقد بود که رجل سیاسی یعنی مردان سیاسی درحالی‌که بسیاری معتقدند منظور از کلمه رجل «مرد» نیست بلکه چهره سیاسی است و بر این مبنا زنان هم می‌توانند نامزد ریاست‌جمهوری شوند. سخنگوی شورای نگهبان دیروز در رابطه با انتخاب مجدد آیت‌الله جنتی در شورای نگهبان و واکنش رسانه‌های خارجی به سن ایشان هم گفت: «در شورای نگهبان هیئت‌رئیس‌ه شامل دبیر، قائم‌مقام، سخنگو و معاون اجرایی می‌شود. سه نفر توسط رای شورای نگهبان انتخاب می‌شوند و معاون اجرایی توسط دبیر انتخاب می‌شود». کدخدایی اضافه کرد: «در مورد نهادهایی که بیشتر در حوزه‌های فکری کار می‌کنند شرط سنی محدودیت محسوب نمی‌شود برای مثال در کشور مالزی حتی در حوزه اجرایی هم این مورد قابل مشاهده است. وقتی قانون منعی در این زمینه در نظر نگرفته، فکر نمی‌کنم این مطلب مشکلی داشته باشد».

دستگاه شایسته‌سنج نداریم

کدخدایی همچنین در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه سهم شورای نگهبان در ارتقای کیفیت مجلس شورای اسلامی و ریاست‌جمهوری چه میزان است و شورای نگهبان برای احراز صلاحیت‌های کارآمدتر چه اقداماتی انجام می‌دهد، تصریح کرد: «شورای نگهبان دستگاه شایسته‌سنجی ندارد و برای تعیین میزان و ترازویی که شایستگی افراد را نشان دهد نه چنین دستگاهی و نه چنین اختیاراتی را دارد. آنچه شورای نگهبان انجام می‌دهد در چارچوب قانون است که برای انتخابات ریاست‌جمهوری شرایط و امکانات حداقلی را در نظر گرفته که قابلیت ارزیابی دارد و کیفی بوده و نیازمند بررسی‌های دقیق‌تر است». کدخدایی در پاسخ به سؤال دیگری در رابطه با آخرین وضعیت الکترونیکی‌شدن انتخابات، عنوان کرد: «غیر از آنچه پیش از این گفته شد، تحول خاصی صورت نگرفته و کار هم در مرحله کارشناسی است. تصمیم جدی گرفته نشده و همکاری‌ها با دوستان وزارت کشور ادامه دارد». او در پاسخ به سؤال دیگری در رابطه با اینکه شورای نگهبان در زمینه حل مشکلات اقتصادی مردم و مبارزه با فساد چه راهکارهایی دارد؟ بیان کرد: «ما هم با اقشار جامعه همدرد هستیم و ان‌شاءالله مسئولان تلاش کنند مشکلات مرتفع‌شوند. مردم ما مردم خوب و ابتیارگری هستند که باید برای این نعمت شکرگزار بود و هر اقدامی لازم است باید انجام شود. بیانیه‌ای از سوی مجلس خبرگان در این زمینه ارائه شد. ما در شورای نگهبان به دنبال پاسخ‌گویی به قوانینی هستیم که در این زمینه از سوی مجلس ارسال می‌شود».

در مقابل آمریکایی‌ها صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این شکایت را نفی‌ها خواهند کرد. باید ببینیم رای دیوان با کدام دیدگاه تطبیق دارد. نکته دوم این است که فرایند رسیدگی‌های دیوان زمان‌بر است و چه‌بسا سال‌ها طول بکشد. بنابراین در پرتو این فرایند طولانی، بروز هر اتفاقی دور از انتظار نیست. برای مثال ممکن است در این مسیر طرفین به راه‌حل دیگری برای حل اختلاف دست پیدا کنند و شکایت مطرح‌شد از دستور خارج شود. یا حتی ممکن است در مسیر و در این سال‌ها این مستاجر کاخ سفید تغییر کند، به‌تبع آن رویکرد آمریکا عوض شود و... . نکته سوم اینکه فرضاً در جو بین‌المللی ضدآمریکایی موجود، دیوان لاهه نیز صلاحیت خود را احراز کند و رای دیوان هم به نفع ایران صادر شود، در آن صورت مسئله مهم اجرای حکم دیوان است. این درست است که دلیل جامعه ملل اجرای احکام دیوان دائمی دادگستری سابق موکول و بستگی به حسن‌نیت و قوت و قدرت دولت‌ها داشت و بنابراین سازوکار جدیدی در ذیل منشور ملل متحد برای دیوان بین‌المللی دادگستری جدید پیش‌بینی شد و ضمانت اجرای مؤثرتری برای احراز حکم این دیوان در نظر گرفته شد، اما با وجود این هنوز نمی‌توان نقش حسن‌نیت دولت‌ها و قوت و قدرت آنها در اجرای آرای دیوان را کاملاً انکار کرد. . مناکسیم جدید پیش‌بینی‌شده در راستای افزایش ضمانت اجرای احکام دیوان، پیش‌بینی ارجاع اقدام به شورای امنیت است؛ به این ترتیب که در صورت استکفاف محکوم‌علیه از اجرای احکام دیوان، موضوع به شورای امنیت ارجاع داده می‌شود. اما درباره شکایت ایران از آمریکا و با فرض اینکه رای احتمالی دیوان به نفع ایران هم باشد، باید بدانیم که ایالات متحده عضو شورای امنیت و یکی از اعضای دائم و واجد حق وتو در آن شورااست. به همین دلیلی می‌توان تصور کرد که حتی اگر دیوان صلاحیت خود را احراز و مباردت به صدور حکم به نفع ایران کند، در آن صورت ایالات متحده می‌تواند از اجرای حکم استکفاف کند. در این صورت ارجاع موضوع به شورای امنیت نیز با توجه به عضویت آمریکا در آن شورا و امکان استفاده از حق وتو، کارساز نخواهد بود. البته تلقی چنین چشم‌اندازی به این معنی نیست که اصولاً شکایت‌کردن ایران در دیوان نادرست بوده یا آنکه دولت ایران باید در قبال اقدام آمریکا دست روی دست می‌گذاشت؛ بلکه مسئله مهم فرجام و ظرفیت رای دیوان است. با طرح این شکایت در دیوان لاهه چه‌بسا ایران به دست در یک مرجع معتبر بین‌المللی پیروزی بزرگی به دست آورد و آمریکا را به لحاظ اخلاقی و حقوقی محکوم کند. حکم دیوان می‌تواند دلیلی بر حقانیت موضع ایران باشد و این امر از نظر سیاسی با حقوقی دستاوردی بزرگ و مهم باشد، اما نباید فراموش کرد اثر مرتب‌بر این پیروزی، صرفاً تبلیغاتی خواهد بود؛ چراکه رای دیوان فی نفسه قادر به توقف یا رفع تحریم‌های آمریکا نیست. با توجه به مراتب یادشده، دولت و رسانه‌ها باید با واقع‌بینی با موضوع شکایت ایران در دیوان لاهه برخورد کنند و درباره این شکایت به‌هیچ‌وجه مبالغه و بزرگ‌نمایی نکنند. چنان که درجام ظرفیت محدودی داشت و نمی‌توانست همه مسائل ما را حل کند. رای دیوان بین‌المللی دادگستری ولو اگر به نفع ایران باشد نیز فی نفسه و به‌تنهایی پتانسیل رفع تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا را ندارد.

نگاه

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند



عبدالله مؤمنی

● در جلسه بررسی استیضاح وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، مع‌الاسف اخلاق غالب بزرگ بود. انگیزه نوشتن این یادداشت، نقد بر خورد و مسائل مطرح‌شده توسط آقای پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس به خانم زهرا پزشکیان، دختر آقای پزشکیان نایب‌رئیس مجلس و توجه به کارویژه‌های مجلس است.

امروزه جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری تشنه افشاگری است و به مدد دسترسی آحاد جامعه به امکانات خبری و با شرایط سخت معیشتی، فساد مسئولان را بیش از پیش رصد می‌کند؛ این پیگیری حق جامعه است و جامعه به نمایندگان برای پیگیری آن وکالت داده تا از طریق دو کارویژه اصلی مجلس یعنی نقش نظارتی و تقنینی راهکار قانونی را برای این امورات تدوین و بر اجرای آن قوانین نیز نظارت کند. در سال‌های گذشته سنت سبیه‌ای در مجلس بنیان گذاشته شده که هنگام منازعه بر سر ماندن یا بایس‌گیری قدرت و جایگاه‌های مدیریتی که مجلس منبع مشروعیت آن است، نکاتی در تریبون مجلس مطرح می‌شود که هم می‌تواند با صداقوس همراه باشد و هم مطامع و منافع پانده‌ها و جریان‌های ذی‌نفوذ در قدرت و معامله بر سر خواست ملت به‌خوبی بر همگان روشن کند؛ به‌عبارت دیگر برخی از نمایندگان گویی به جمع‌آوری اسناد و نقاط انصراف، ضعف و خطاها به‌عنوان ابزار پیش‌برنده خواست‌هایشان در دوران نمایندگی مشغول‌اند و این مهم را نیز صرفاً در زمانی‌که با تکامی- در تحقق خواست مبتنی بر امتیازگیری – مواجه هستند. دارای کاربرد می‌دانند وگرنه چرا در هیچ محملی غیر از تسویه‌حساب معطوف به استیضاح بیان نمی‌شود؟! از همین رو تنها در روز استیضاح از کارویژه نظارتی سخن به میان می‌آید در صورتی که تنها «روز نظارتی مجلس روز استیضاح» نیست، اما مع‌الاسف در طنباکش‌های سیاسی و برای به‌زیرکشیدن افراد -که حق مجلس است - به راهی توسل می‌جویند. بنایی بر دفع از وزیر-اصلاح‌طلب برکنارشده ندارم، اما نشاید پنهان کرد که چوب حراج‌زدن بر اخلاق در دو سوی ماجرا، در آن روز افکار عمومی را دل‌نگران این همه آشوب و بلشو در فضای سیاسی کشور کرد و یکی از آنها اتهامات به زهرا پزشکیان بود. در بررسی‌ها نگارنده دریافتم که از قضا خانم زهرا پزشکیان، «زن خوب» نیست و مسئولان همان مسیر درخ‌آقای پزشکیان را که شواهد نشان از صلاحیت علمی او می‌دهد طی کنند. کسی منکر ارتزاق فرزندان مسئولان نیست؛ بحث بر سر زمینه‌های رانت و فساد آن است وگرنه اگر کسی با مدرک تحصیلی تخصصی شغلی تحصیل کرده، امری بدیهی و مشروع است.

حقیقتا این شکل رسیدن به مقصد که با چاشنی برجسب و انگ برای تخطئه مخالف همراه باشد، ذون اخلاق سیاسی است. چنانکه می‌دانیم آقای پزشکیان از معدود نمایندگان دوره‌های اخیر است که هم در سطح موضع و هم در سطح عملکرد خوب کار کرده و همین نشان از زیست سالم ایشان و متسببان خانوادگی‌اش دارد. البته همه می‌دانیم که در بین دو جناح در نهادهای مختلف «زن‌های خوب» فراوان‌اند و جای آن است که فرزندان مسئولان همان مسیر درخ‌آقای پزشکیان را که شواهد نشان از صلاحیت علمی او می‌دهد طی کنند. کسی منکر ارتزاق فرزندان مسئولان نیست؛ بحث بر سر زمینه‌های رانت و فساد آن است وگرنه اگر کسی با مدرک تحصیلی تخصصی شغلی تحصیل کرده، امری بدیهی و مشروع است. متأسفانه به‌دلیل حاکمیت اقتصاد رانتی و گسترش دائم‌التزاید فساد از یک سو و مشقت‌ها و وضعیت سخت معیشتی مردم از دیگر سو در ایران امروز، تئور اتهام‌زنی و افشاکری بیش از هر زمان دیگری گرم است و به‌دلیل اوضاع دشوار اقتصادی بیش از هر ایام دیگری گوش‌های مردم شنواتر است و بیشتر از قبل از پروژه افشا از باج معسوط فساد اقتصادی استقبال می‌کند. این جو شبهه‌ناک مع‌الاسف ممکن است افرادی سالم را هم دربر گیرد، متأسفانه افشاکری‌ها فقط زمانی صورت می‌گیرد که با حاکمیت گروهی یا جبرانی سیاسی چه کارآمد یا ناکارآمد و صرفاً به دلایل باندی یا محفلی مخالفیم؛ در این شرایط از برای هرگونه برجسب‌زنی و اتهام‌پرکنی برای رسیدن به هدف ولو با طرح اتهامی بی‌ربط که حتی هیچ امر غیرمعمارفی نیز بر آن مرتب نباشد به‌دنبال شوش‌کردن ذهنیت افکار عمومی به رقیب هستیم. کسی مانند دکتر پزشکیان که به سلامت و پاکدستی شهره عام و خاص است و با نقد برخورداری از شغل را برای فرزندان نخسبه او باج معسوط داشت و به‌مثابه دیگر شهروندان تحصیل‌کرده حق شغل دارد.

حال آیا باج‌خواهی از وزیر که عمده خواست‌های‌شان را نیز پذیرفته، درست است؟ اما به دلیل بیان یک مخالفت در برابر سهم‌خواهی افزون‌تر، آسمان و ریسمان را به باف می‌شود تا ناکارآمدی فرد مسئول موجه شود و طرفدارانش را به‌عنوان کسانی که برخوردار از رانت و... هستند، متهم کرده و خود را نیز به‌عنوان فردی که مطمح نظرش تأمین منافع مردم بوده، جلوه دهیم، ابایی نداریم!

ادامه در صفحه ۱۵